

قانون و امنیت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۹ دکتر محمدهادی کاویانی*

چکیده

امنیت ملی یکی از مهم‌ترین مسائل سیاسی و حقوقی هر کشور است. برای شناسایی مفهوم این مهم، باید به مؤلفه تهدید و مصونیت از آن و همچنین چیزهایی که تهدید را منتفی می‌کند، توجه کرد. در امنیت ملی تهدیدات وجودی راجع به یک کشور مورد توجه قرار می‌گیرد و در صورت تحقق آن تهدیدات، با وضع قواعد دوره اضطرار، بحران مدیریت می‌شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس به عنوان رکنی از حاکمیت ملی، نقشی در این دوره ندارد و شورای عالی امنیت ملی، این وضعیت را مدیریت می‌کند. باین حال غیر از تأیید اطمینان بخش مصوبات، توسط مقام رهبری، نهاد دیگری بر این مصوبات نظارت ندارد. نظارت قضایی و جبران خسارت‌های احتمالی که با اجرای این مصوبات بر اشخاص وارد می‌شود، می‌تواند بخشی از فرایند نظارت بر قواعد مدیریت حل بحران باشد.

واژگان کلیدی: امنیت ملی، قانون، قانونگذاری، نظارت، قانون اساسی.

*. مدرس حقوق عمومی پردیس فارابی دانشگاه تهران (Email: kaviani_mh@ut.ac.ir).

مقدمه

امنیت ملی و قواعدی که براساس آن ماهیت، صلاحیت و قلمرو عملکرد مدیران در حالت عادی یا در دوره اضطرار معلوم و نهادینه می‌شود، یکی از موضوعات مهم در هر نظام سیاسی است. از سوی دیگر، قانون به دلیل ماهیتی که دارد و از سوی نهادی مثل مجلس که اعمال‌کننده بخشی از حاکمیت ملی است وضع می‌شود، جایگاه ویژه‌ای دارد. بررسی و امکان قاعده‌گذاری توسط مجلس راجع به امنیت ملی، چه در دوره اضطرار و غیر آن در نظام جمهوری اسلامی، مسئله اصلی این تحقیق است. این مسئله از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که علی‌رغم ارتباط ظاهری این دو که در یک نظام حکومتی بسیار هم منطقی می‌نماید، تراحمی واقعی، اما پنهان بین آنها وجود دارد. این دوگانگی و تراحم از ذات امنیت ملی ناشی می‌شود؛ زیرا این موضوع برخلاف سایر موضوعات اجتماعی و سیاسی دیگر، در مرحله اجرا نه تنها تن به نظامات حقوقی از جمله قانون و قانونگذاری نمی‌دهد، بلکه سازوکارهای مربوط به این نظامات را کاملاً تحت تأثیر قرار می‌دهد و در خیلی موارد با بحرانی جلوه دادن مسائل اجتماعی و سیاسی آنها و امنیتی‌سازی^۱ آنها را از حوزه قانون و سایر قواعد حقوقی خارج کرده و به‌طور غیرمتمعارف با شیوه‌هایی غیرعادی، مطابق با نظر مقامات امنیتی آنها را مدیریت می‌کند.

توضیح بیشتر اینکه امنیت ملی در نظام‌های سیاسی موضوعی است که به دلیل اقتضائات خاص و ویژگی‌های ذاتی خود اهمیت پیدا کرده و چه‌بسا از مهم‌ترین موضوعات حاکمیتی باشد.

در حالت عادی به دلایلی که ممکن است به ساختار حکومت یا رفتار حاکمان برگردد، مدیران با امنیتی‌سازی موضوعات عادی، به اهداف خود در ایجاد محدودیت برای حقوق و آزادی‌های مشروع مردم می‌رسند و به این ترتیب از به وجود آمدن مشکل و بحران پیشگیری می‌کنند. چون در جامعه‌ای که حقوق و آزادی‌های عمومی استیفا

نشود یا در مفهوم حداقلی آن مصداق پیدا کند و دولت هم نقشی در ایفای آن برای مردم به عهده نگیرد، در کوتاه‌مدت مشکلی پیش نخواهد آمد که آن مدیران وظیفه مدیریت آن را انجام دهند. اگرچه در بلندمدت این حالت دوام نمی‌آورد و اتفاقاتی رخ خواهد داد که روند امور نه تنها از دست مدیران امنیتی خارج می‌شود، بلکه مدیران و حاکمان نیز چاره‌ای غیر از کناره‌گیری ندارند. در دوره اضطرار هم امنیت ملی معمولاً با شیوه‌هایی غیرمتعارف و در گستره وسیعی با پشتوانه حاکمیت اعمال می‌شود تا بتواند وضعیت بحرانی جامعه را در زمانی کوتاه و با کمترین هزینه مدیریت کند.

با این توضیح معلوم می‌شود امنیت ملی امری مستمر است و به برهه‌ای خاص و دوره اضطرار اختصاص ندارد؛ اگرچه در این دوره نمود بیشتری پیدا می‌کند و با ایجاد محدودیت در حقوق و آزادی‌ها جلوه‌گری بیشتری دارد.

در مقابل قانون در نظام‌های سیاسی برای منضبط کردن روابط اجتماعی و در حقوق اساسی برای انتظام‌بخشی در مدیریت کلان جامعه و تنظیم روابط فرمانروایان و فرمانبران ایجاد می‌شود تا جامعه از رهگذر حاکمیت آن،^۱ از یک سو به اهداف کوتاه‌مدت، یعنی انتظام‌بخشی روابط اجتماعی و قابل‌پیش‌بینی شدن اعمال افراد در عرصه زندگی فردی و اجتماعی برسد و از سوی دیگر به اهداف عالی و بلندمرتبه آن، یعنی ایجاد و نهادینه کردن ارزش‌های متعالی مانند عدالت نائل شود. «بنابراین قانون و امنیت دو موضوع مهم و کلیدی در اداره یک نظام سیاسی می‌باشند. رابطه بین این دو مفهوم بیشتر یک رابطه یک‌سویه است، به این معنا که همواره قانون در خدمت امنیت بوده و امنیت خود را بر قانون تحمیل کرده است» (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۴: ۱۱). درحالی‌که منطق حکومت و نظام حقوقی اقتضا می‌کند امنیت و همه مسائل مربوط به آن، مانند امور عمومی دیگر، تحت حاکمیت قانون قرار گیرد تا ضمن قابل‌پیش‌بینی شدن حرکات بازیگران عرصه سیاست، پاسخگویی و نظارت بر آنان ممکن شده و از این رهگذر

مشروعیت سیاسی حاکمیت تقویت گردد.^۱

برای بررسی نقش مصوبات مجلس در موضوع امنیت ملی باید مرور مجددی به قانون اساسی و صلاحیت‌های مجلس شورای اسلامی شود. مطالعه نقش مجلس در قانون اساسی جمهوری اسلامی، درخصوص امنیت ملی و قواعد مربوط به آن، مسئله اصلی این تحقیق است. تبیین مفهوم امنیت ملی از یک سو و قلمرو صلاحیت مجلس شورای اسلامی در قانونگذاری پیرامون امنیت ملی از سوی دیگر با استناد به اصول مختلف قانون اساسی^۲ دو بخش اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

۱. امنیت ملی

امنیت ملی موضوعی سهل و ممتنع است که فهم آن ساده است و مفهوم آن به راحتی توسط افراد ادراک می‌شود و همگان می‌توانند به سادگی آن را در فضای زندگی فردی و اجتماعی خود حس کنند. از سوی دیگر تفهیم آن مشکل، بلکه ممتنع است و ارائه تعریفی جامع و مانع از آن برای پژوهندگان این حوزه صعوبت خاص خود را دارد. لازم است گفته شود شاید ارائه تعریفی واحد از این موضوع برای متفکران غیرممکن است؛ چون هر کدام از آنان در ارائه تعریف به زاویه‌ای از آن توجه کرده و از آن منظر، دیدگاه خود تبیین نموده‌اند. تنوع تعاریف در این موضوع گواه صادقی بر این مدعا است.^۳

۲. امنیتی‌سازی موضوعی است که در رژیم‌های مردم‌سالار و تحت حاکمیت قانون انجام می‌شود. در این فرایند، مقامات امنیتی تحت عنوان امنیتی بودن موضوعات از اختیارات و اقتدارات خود سوءاستفاده کرده و با پوششی از ضرورت‌های امنیتی، مدیران اصلی را مجاب به تن دادن به این فرایند می‌کنند. در رژیم‌های استبدادی ضرورتی به تمسک به امنیتی‌سازی و نظیر این پوشش‌ها نیست. بنابراین علی‌رغم تصور غالب، اگرچه این دو قسیم هم هستند، اما در تراحم بین این دو، همیشه این قانون است که به نفع امنیت عقب‌نشینی کرده و عرصه را به آن واگذار می‌کند.

۲. اصول ۶، ۹، ۷۹ و ۱۷۶.

۳. دایره‌المعارف علوم اجتماعی: امنیت ملی را توان یک ملت در حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدات خارجی می‌داند.

برای تبیین این واژه، توجه هم‌زمان به اضلاع یک سه‌ضلعی که برای شناسایی این موضوع در عرض هم قرار می‌گیرند، ضرورت دارد. این سه موضوع عبارتند از مسئله تهدید به‌عنوان عنصر محوری مفهوم امنیت که با شناسایی آن، مسئله‌ای که برای رهایی و مصونیت از آن، امنیت مطرح می‌شود، معلوم می‌گردد. موضوع دیگر ابعاد امنیت است. امنیت موضوعی مبهم است که برای تفهیم آن باید ابعاد مختلف آن را بررسی کرد تا تعریف اجمالی از آن به دست بیاید. سومین موضوع هدف امنیت است که با بررسی آن معلوم می‌شود با انجام اعمال امنیتی قرار است چه چیزی مصونیت یابد و ایمنی برای آن فراهم گردد. درواقع این موضوع است که امنیت ملی از سایر سطوح امنیتی متمایز ساخته تا درنهایت به تعریف نهایی امنیت ملی منجر شود.

۱.۱. تهدید

موضوع مهمی که در تبیین امنیت باید مورد‌مذاقه قرار گیرد، تهدید است. این موضوع از آن جهت که اهمیت پیدا کرده که در اولین تعاریفی که برای امنیت ارائه شده، خواه در گفتمان‌های سنتی یا گفتمان‌های امروزی، تهدید اصلی‌ترین عنصر تعریف

پنه لوپه هارتلند - تانبرگ (Penelope Hartland-Thunberg): امنیت ملی، یعنی توانایی یک ملت برای پیگیری موفقیت‌آمیز منافع ملی خود در هر جایی دنیا به همان نحو که خودش آن را می‌بیند. مایکل لوه (Micheal G.H.Louw): امنیت ملی شامل سیاست دفاع ملی و نیز اقدامات غیرنظامی دولت برای تضمین ظرفیت کامل بقای خود به‌عنوان یک موجودیت سیاسی به‌منظور اعمال نفوذ و حصول اهداف داخلی و بین‌المللی است.

کالج دفاع ملی کانادا: امنیت ملی، یعنی حفظ راه و روش زندگی قابل پذیرش برای همه مردم و مطابق با نیازها و آرزوهای مشروع شهروندان. این امر شامل رهایی از حمله یا فشار نظامی، براندازی داخلی و نابودی ارزش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود که برای کیفیت زندگی ضروری هستند.

فرانک تراگر (Frank.N.Trager): امنیت ملی آن قسمت از خط‌مشی دولت را تشکیل می‌دهد که هدفش فراهم آوردن شرایط ملی و بین‌المللی سیاسی مطلوب یا حفظ و گسترش ارزش‌های ملی حیاتی علیه متخاصمین و دشمنان بالقوه وجود دارد» (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۶).

همان‌طور که گفته شد، هرکدام از این نظریه‌پردازان با توجه به محوریت ارزش‌های ملی، منافع ملی و تهدیدات اساسی، تعریف خود را از امنیت ملی ارائه کرده است.

است. در این گفتمان‌ها امنیت همیشه تهدیدمحور تعریف شده است. امنیت‌پژوهان عمده‌ترین تهدیداتی که برای جامعه ملی خطر ساز و در تبیین مفهوم امنیت ملی مفید هستند، معمولاً پنج تهدید نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌دانند (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۰-۱۶۸).

- تهدیدات نظامی از سوی دشمن خارجی که در شدیدترین سطح، با تجاوز به مرزها و اشغال کشور هدف همراه است، محور اصلی همه تهدیدات در تعریف امنیت است. «چون استفاده از زور می‌تواند تحولات نامطلوب ناگهانی در سطح گسترده را سبب شود، معمولاً این تهدیدات در برنامه‌های امنیت ملی از بالاترین اولویت برخوردارند» (همان: ۱۴۱). بنابراین در سیاست‌گذاری‌های امنیتی کشورهای مختلف برای این تهدید، حساب ویژه باز کرده‌اند. بیشترین سرمایه‌گذاری امنیتی کشورها بر روی سازمان‌های نظامی فعال و کارآمد و تسلیحات روزآمد و پیشرفته برای آمادگی دفاعی جهت دفع این تهدیدهاست. یکی از آثار تهدیدات نظامی، تحریک حس میهن‌دوستی و در نتیجه افزایش همبستگی اجتماعی است. ملت‌ها در همه زمان‌ها و در همه جغرافیای گیتی نشان داده‌اند که در برابر تهاجم بیگانگان از موجودیت کشور خود و مرزهای سرزمین خویش دفاع می‌کنند؛ حتی اگر به قیمت از دست دادن گرانبهاترین دارایی‌های آنها تمام شود و حتی اگر دولشان مشروعیت سیاسی لازم را نداشته باشد.

- تهدیدات اجتماعی و سیاسی؛ در تهدید اجتماعی، چیزی تهدید می‌شود که یک جمعیت و اجتماع را به ملت تبدیل می‌کند و به آن جمعیت به‌عنوان یک ملت هویت می‌بخشد. در بررسی‌های جامعه‌شناسانه، چند عامل را می‌توان عوامل هویت‌بخش یک جامعه دانست. زبان، نژاد، دین و آیین، عرف و آداب و رسوم و چیزهایی از این قبیل، در گذر زمان هویت‌بخش یک ملت شده‌اند. این عوامل، به این دلیل که ارزش‌های ملی مشترک یک جامعه هستند، مانند نخ تسبیح آحاد یک ملت را به هم می‌پیوند و موجب انسجام و همبستگی ملی می‌شوند. تهدید در این عوامل، موجب اختلال در هویت یک ملت شده و در نتیجه امنیت اجتماعی را در خطر می‌اندازد.

برخلاف تهدیدات اجتماعی که متوجه هویت یک ملت است، تهدید سیاسی مستقیماً متوجه ثبات سیاسی و حاکمیت یک کشور است. این تهدید را دولت‌ها بسیار جدی می‌گیرند؛ چون عملی شدن آنها به سرنگونی آن دولت ختم می‌شود. این دو تهدید معمولاً مترتب بر هم، توسط دولت‌های متجاوز اعمال می‌شود. با تهدیدات اجتماعی، هویت ملی جوامع سیاسی مخدوش شده و در نتیجه همبستگی در جامعه هدف به هم می‌خورد. پس از آن با هزینه اندکی تهدیدات سیاسی به ثمر نشسته و دولت سرنگون خواهد شد.

- تهدیدات اقتصادی نسبت به سایر تهدیدها ظرافت‌های بیشتر و در نتیجه پیچیدگی‌های بیشتر و آثار عمیق‌تری در جامعه ملی دارد. اهمیت این تهدید نسبت به سایر تهدیدها آن است که «نزاع‌ها، کشمکش‌ها و حتی جنگ‌های کوچک و بزرگ با اهداف اقتصادی آغاز می‌شوند. در پس نیات طرفین درگیر، کسب منافع اقتصادی عنصر اصلی و هدف استراتژیک در شکل‌گیری سیاست‌ها می‌باشد. امروزه اقتصاد نه مکمل عملیات نظامی، بلکه در مواردی جایگزین آن می‌باشد» (ربیع، ۱۳۸۴: ۱۳۹). علاوه بر این در این حوزه همه افراد جامعه درگیر میشوند. چون مشکلات اقتصادی در رفاه و آسایش افراد تأثیر مستقیم دارد و آنچه موجب اهمیت این تهدید و فراگیری آن می‌شود، این است که عموم افراد نمی‌توانند به راحتی از رفاه و آسایش خود به نفع سایر موضوعات عدول کنند.

- تهدیدات زیست‌محیطی؛ این تهدید از ناشناخته‌ترین و به همین دلیل، پیچیده‌ترین تهدید برای امنیت یک ملت، کشور، منطقه جغرافیایی و حتی بین‌الملل است. مشکل از آنجا ناشی می‌شود که ابعاد آن به درستی شناخته نشده و حتی نزد برخی چنین تهدیدی خیلی دور از ذهن می‌باشد. نکته مهم در تهدیدات زیست‌محیطی این است که معمولاً فراملی بوده و با ابعاد وسیع در بخش بزرگی در کره زمین به وقوع می‌پیوندد. به مقتضای فراملی بودن این نوع تهدید، مقابله با آن و رهایی از مخاطرات آن از عهده یک یا چند کشور خارج است و عزم جهانی را می‌طلبد. پارگی لایه ازن، گرم شدن زمین،

آلودگی‌های خاک و آب و سایر عرصه‌های زیستی انسان و اخیراً پدیده ریزگردها برای کشور ما، از این نوع تهدیدات محسوب می‌شوند.

مسئله مهمی که در این ضلع از پدیدارشناسی امنیت باید موردتوجه قرار گیرد، واقعی بودن تهدید و نه توهم آن است. گفتنی است توهم تهدید با احساس ناامنی متفاوت است. احساس ناامنی را باید جدی گرفت و برای آن برنامه‌ریزی کرد. اما احساس تهدید، خیالی و موهوم است. باید در هنگام بروز تهدید، ابتدا هویت آن را بررسی کرد تا واقعی یا موهوم بودن آن معلوم گردد.

همچنین نوع و ماهیت تهدیدی که موجودیت واحد ملی را به خطر می‌اندازد و نیز شدت و ضعف تهدید و فاصله زمانی و مکانی تهدید با هدف مورد نظر، عواملی هستند که در نحوه شکل‌گیری سیاست‌ها و اقدامات امنیتی نقش ایفا می‌کنند. «اینکه چه موقعی یک تهدید به موضوع امنیت ملی تبدیل می‌شود، به نوع تهدید، چگونگی نگرش به آن و نیز میزان جدی بودن آن بستگی دارد. عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید عبارت است از: مشخص بودن هویت آن، قریب‌الوقوع بودن یا نزدیکی آن از لحاظ فاصله، شدت احتمال وقوع آن، میزان عواقب احتمالی آن. طبعاً هرچه تهدید جدی‌تر باشد، استناد به امنیت ملی برای واکنش در برابر آن مشروع‌تر خواهد بود» (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۹). علاوه بر این تهدید واقعی را باید از تنگنا، چالش و رقابت و موضوعاتی از این قبیل جدا کرد. در عصر حاضر و حضور انبوه انسان‌ها و در نتیجه تراکم شدید روابط انسانی و کمبود منابع برای گذران زندگی، رقابت شدیدی را در همه حوزه‌های زندگی بشری به وجود می‌آورد. هر تنگنایی، هر چند رقابت‌ها و چالش‌های معمولی بین انسان‌ها و جوامع در این عرصه، نباید توسط کارگزاران امنیتی حمل بر تهدید شود.

معیاری که برای شناسایی تهدیدات جدی و شدید از آن نام برده می‌شود، تهدید موجودیت و اضمحلال آن واحد ملی است. به این معنا، دفع تهدیداتی که موجودیت

هدف موردنظر را به خطر بیندازد و از آن به تهدید وجودی^۱ تعبیر می‌شود، موضوع امنیت ملی است که طبعاً راهکارهای امنیتی را اقتضا می‌کند. «بنابراین، باید پدیده‌ها یا موضوعاتی را امنیتی ساخت که قرارداد آن در چارچوب مفهوم تهدیدات وجودی امکان‌پذیر باشد. به بیان دیگر، شایستگی انتساب به چنین مفهومی را داشته باشد. چنین وضعیتی است که باعث می‌شود اتخاذ اقدامات فوق‌العاده، فراتر از اقدامات سیاسی روزمره ضروری گردد» (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۷).

۱.۲. ابعاد امنیت

ضلع دیگری که در تبیین مفهوم امنیت ضرورت دارد، شناسایی ابعاد آن است. ابعاد امنیت از یک منظر، عینی^۲ و از منظر دیگر، ذهنی^۳ است. در بُعد عینی امنیت، شاخص‌های مختلف، بیانگر وجود امنیت یا ناامنی است. وجود شاخص‌های کمی از قبیل آمارهای مختلف در زمینه‌های جرم و اعمال مجرمانه یا رسیدگی و پیگیری آن اعمال در محاکم قضایی و وجود پلیس و نیروهای مسلح قوی، همه بیانگر بعد عینی امنیت می‌باشد.

در مقابل این بعد، وجه ذهنی امنیت است که حاصل آن، احساس امنیت^۴ را در افراد به وجود می‌آورد یا آن را منتفی می‌سازد. از آنجاکه احساسات افراد به خلیقات، گرایش‌های ذهنی، پیش‌فرض‌ها و سایر ویژگی‌های شخصیتی‌شان بستگی دارد، بدیهی است تأثیر ذهنی موضوعات خارجی در افراد هم متفاوت خواهد شد. با همین تحلیل، امنیت به‌عنوان پدیده‌ای عینی، آثار مختلفی در افراد دارد که مؤلفه‌ها و حالات روحی افراد نقش مستقیم در ایجاد این احساس دارد؛ مؤلفه‌هایی از قبیل موقعیت زمانی و مکانی

1. Existential Threat.

2. Subjective.

3. Objective.

4. Sense of security.

فرد، جنسیت، عقلانیت یا توهمات فرد و حتی تحصیلات.

بعد دیگر امنیت که در شناسایی آن باید مورد توجه قرار گیرد، ابعاد سلبی و ایجابی آن است. در بعد سلبی مفهوم امنیت، تهدید معمولاً پیش فرض قلمداد می‌شود. یعنی امنیت با نبود عامل تهدید و نفی آن ایجاد می‌شود و برعکس وجود هرگونه تهدید به نقض امنیت منجر می‌گردد. به این ترتیب موضوعی که هدف امنیت شمرده می‌شود و قرار است ایمنی آن تأمین گردد، باید از ناامنی و تهدید^۱ مصونیت یابد؛ به طوری که هیچ خطری آن را تهدید نکند. در گفتمان‌های جدید امنیت، امنیت‌پژوهان تهدیدهای متکثری را تئوریزه کرده‌اند که امنیت ملی با مصونیت کشور از همه آنها به وجود می‌آید.^۲

در بُعد ایجابی امنیت، نه تنها هدف امنیت ملی، رهایی از تهدید است، بلکه زمینه برای تأمین امنیت طوری فراهم می‌شود که اصلاً تهدید برای آن به وجود نمی‌آید. امنیت ملی در این گفتمان عبارت است از: «توانایی و شرایط عینی که در بستر آن می‌توان به منافع ملی دست یافت» (ماندل، ۱۳۷۹: ۱۶). در این دیدگاه امنیت ملی، حتی نسبت به منافع ملی از اولویت برخوردار است؛ چراکه تحقق و عدم تحقق منافع ملی در گرو بود یا نبود امنیت است. براساس این دیدگاه، جامعه‌ای که در عین نبودن تهدید خارجی یا داخلی، توان لازم برای دستیابی به منافع ملی‌اش را نداشته باشد، در وضعیت امن نبوده

۱. در تبارشناسی امنیت، آنچه همیشه مورد توجه قرار می‌گیرد، تهدید و جلوگیری از تحقق آنهاست. حتی در نظریه امنیت ملی که مربوط به دهه ۸۰ میلادی است، تهدیدات توسط تئوریسین این نظریه متکثر شده است. بنابراین سایه سنگین تهدیدمحوری، تاکنون در مباحث امنیت‌پژوهی جای خود را حفظ کرده است. حتی در نظریه امنیت انسانی هم امنیت‌های هفت‌گانه این نظریه به فقدان تهدید در آن موضوعات تحلیل شده است. براین اساس در بررسی ابعاد امنیت، بُعد سلبی آن که فقدان تهدید و ناامنی باشد، ظهور و بروز بیشتری دارد و بیشتر جلوه‌گری می‌کند.

۲. نظریه مشهور امنیت ملی در روابط بین‌الملل، که با الهام از موطن تئوریسین برجسته آن، یعنی باری بوزان به مکتب کپنهاگ معروف شده است و به لحاظ مشی فکری از جمله نواقع‌گرایان محسوب می‌شود، با تغییراتی که در اصول امنیت واقع‌گرایی به وجود آورده و با توسعه در مفهوم امنیت و شکستن حصار بزرگ نظامی‌گری در سیاست‌های امنیتی، به عنوان یک مکتب جدید جای خود را در تئوری‌های امنیتی باز کرده است.

و ناامن ارزیابی می‌شود.

۱,۳. اهداف امنیت

ضلع سومی که در شناسایی امنیت ملی باید مورد توجه قرار گیرد، این است که هدف در امنیت ملی چیست و در امنیت ملی، امنیت چه چیزی باید تأمین شود؟ در پاسخ اجمالی به این پرسش، می‌توان از عبارت امنیت ملی استفاده کرد که در مقابل سطوح دیگر امنیت، مانند امنیت فردی، انسانی، اجتماعی، جهانی و بین‌المللی به کار برده می‌شود. در امنیت ملی، امنیت موجودیتی به نام ملت تأمین و حفظ می‌شود.

همان‌طور که در مباحث حقوق اساسی و علوم سیاسی به تفصیل بیان شده، ملت رکن انسانی موجودیتی به نام کشور است. امنیت ملی امنیت چیزی است که یک ملت را ملت می‌کند. یک جمعیت برای ملت شدن و ملت ماندن، فضای سرزمینی مطلوب و ایمن، زندگی آرام و بی‌دغدغه و باثبات و حفظ هویت خود به عنوان یک ملت در برابر ملل دیگر را لازم دارد. به این ترتیب می‌توان گفت: «مفهوم اصلی امنیت ملی برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانگان در امور کشور است. پس امنیت ملی در درجه اول به معنای تأمین شرایطی است که کشور را از تعرض دیگران به استقلال سیاسی، ارزش‌های فرهنگی و رفاه اقتصادی (ارزش‌های ملی) دور نگه دارد» (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۸). برای اجرا شدن و تأمین امنیت ملی، پژوهندگان این حوزه دو رویکرد کاملاً متفاوت دارند.

در رویکرد اول، برخی با اصرار بر تهدیدمحوری بودن امنیت، از تهدید نظامی که محور اصلی در تعاریف سنتی امنیت ملی است، گذر کرده‌اند و با تأمل در موضوعات چالش‌برانگیز در جوامع ملی و شناسایی موضوعاتی که می‌تواند برای آن جوامع ایجاد مشکل امنیتی کند، به تکثیر تهدیدهای مختلف در حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی روی آورده‌اند. تهدیدات نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی عرصه‌های

جدیدی هستند که مدیران امنیتی براساس ماهیت آنها، برای آنها شیوه دفاعی خاص طراحی می‌کنند تا بدین ترتیب امنیت را در آن حوزه برای مردم خود تأمین کنند. براین اساس برخی عقیده دارند «با پیدایش تحولاتی در عرصه ملی و بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم، قلمرو مفهومی امنیت ملی وسیع‌تر می‌شود و متفکران سیاسی به تدریج امنیت ملی را برحسب تهدیدات مختلف، اعم از نظامی و غیرنظامی و داخلی و خارجی تعریف می‌کنند» (افروغ، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

اما در رویکرد دوم، برای تحقق امنیت با تأکید بر ارزش‌ها، معنای انتزاعی‌تری را برای آن پیشنهاد می‌کند و مؤلفه‌های امنیت ملی را موردتوجه قرار می‌دهد و حتی صراحتاً آنها را در منابع حقوقی و سیاستگذاری خود نام می‌برد؛ اهدافی از قبیل وحدت ملی، تمامیت ارضی، استقلال و سبک زندگی.

مثلاً در یک تعریف ازجمله اهداف امنیت ملی، ایجاد شرایط مساعد ملی و بین‌المللی جهت حفظ و بسط ارزش‌های حیاتی یک ملت است. یا در تعریف دیگری امنیت ملی به‌طور عینی به معنای فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های مکتسبه و به‌طور ذهنی به مفهوم فقدان ترس از حمله به این‌گونه ارزش‌ها تعریف شده است. در تعریف دیگر با استفاده کاربردی از تعریف شورای امنیت ملی آمریکا، حفاظت جامعه از لطمه خوردن به نهادها و ارزش‌های بنیادین آن تعریف شده است (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۱).

از مجموع مباحث مطروحه این مبحث، می‌توان امنیت ملی را به‌این ترتیب تعریف کرد: امنیت ملی در معنایی که قدر جامع همه تعاریف است و از وظایف اصلی دولت در هر کشور است و با اعمال آن، تهدیدات کشور را مهار می‌کند، عبارت است از تأمین شرایطی است که کشور را از تعرض بیگانگان به ارزش‌های وجودی یک ملت مصون و محفوظ نگه می‌دارد. برای بسیاری از ملل و جوامع انسانی، حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و به‌طور کلی جلوگیری از مداخله بیگانگان در همه امور کشور از ارزش‌های وجودی شمرده می‌شود (کاویانی، ۱۳۹۰: ۲۳۰).

طبعاً تأمین شرایط برای حفظ تعرض، هم شامل وضعیتی است که کشور را از

تهدیدات مصونیت می‌بخشد و هم شامل وضعیتی است که با اعمال ایجابی شرایط تهدید از کشور منتفی می‌گردد.

ارزش‌های وجودی یک ملت را که امنیت ملی برای حفظ تمامیت آنها طراحی و اجرا می‌شود، می‌توان «مرگب از چندین ارزش ملی دانست. این ارزش‌ها عبارتند از: پاسداری از بقای سیاسی و سرزمینی کشور (استقلال)، تضمین بقای ارگانیک (فیزیکی و جمعی) مردم (تمامیت ارضی)، ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی، و تأمین و حفظ هماهنگی میان اقوام و طوایف درون کشور (ارزش‌های ملی)» (سایق، ۱۳۷۷: ۱۸).

به نظر می‌رسد این رویکرد در تعریف امنیت ملی مورد توجه قانون‌گذار اساسی جمهوری اسلامی قرار گرفته که در دو اصلی که به موضوع امنیت ملی (مؤلفه‌ها و محدودیت‌ها)^۱ اختصاص داده، این تعریف و تلقی را مورد تأیید قرار داده است. بحث مفصل‌تر پیرامون این موضوع در مبحث آینده خواهد آمد.

۲. صلاحیت‌های مجلس شورای اسلامی و امنیت ملی

صلاحیت، توانایی انجام امور عمومی توسط یک شخص یا یک شخصیت است. بدین ترتیب به هر کس که این توانایی در امور عمومی، خواه دولتی و یا غیر دولتی داده شده که می‌تواند کاری انجام دهد و وضعیت حقوقی جدیدی را ایجاد کند، صلاحیت داده شده است. این صلاحیت توسط قانون و یا هر مجوز حقوقی دیگر به افراد و نهادها اعطا می‌شود. پارلمان به عنوان بخشی از حاکمیت از جمله نهادهایی است که قوانین اساسی در همه کشورها صراحتاً به آن صلاحیت قانونگذاری داده است. مثلاً اصل ۵۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد: اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و... یکی از مسائل مهم در قانونگذاری، قلمرو صلاحیت پارلمان است که مجلس در چه حوزه یا حوزه‌هایی از امور عمومی می‌تواند قانونگذاری کند و در امنیت ملی که مسئله اصلی این مقاله است، مجلس چه صلاحیتی

۱. اصول ۹ و ۱۷۶ قانون اساسی.

دارد؟

۲,۱. قلمرو صلاحیت مجلس شورای اسلامی

معمولاً در نظام‌های پارلمانی یا ریاستی - پارلمانی که پارلمان بخشی از حاکمیت ملی را اعمال می‌کند، صلاحیت عام قانونگذاری در همه موضوعات عمومی را دارد. براین اساس قواعد حقوقی در همه امور عمومی، توسط پارلمان یا با اجازه او تدوین و وضع می‌شود. بر این مبنا قانونگذاری در مورد هیچ موضوعی خارج از صلاحیت پارلمان نیست. مثلاً «پارلمان در بریتانیا حاکمیت مطلق دارد. بدین معنا که پارلمان می‌تواند تا هر جا که بخواهد قانون وضع کند یا قوانین موجود را ابطال کند و هیچ مقام یا مرجعی نمی‌تواند مانع آن شود» (زارعی، ۱۳۸۴: ۲۸).

برخی اساتید حقوق، نظام سیاسی جمهوری اسلامی را از جمله رژیم‌هایی می‌دانند که در آن پارلمان صلاحیت عام قانونگذاری دارد. «آنچه در قوانین اساسی از جمله اصل ۷۱ قانون اساسی ایران معمول است این است که به پارلمان صلاحیت عام تقنینی اعطا می‌شود» (همان: ۱۵۶). به تعبیر یکی دیگر از اساتید «نیازهای فرهنگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه آن‌چنان وسیع و گسترده و تابع شرایط گوناگون زمان و مکان است که اصولاً نمی‌توان آن را از پیش به طور دقیق مشخص و تعیین نمود. لذا وضع قوانین حسب نیاز موکول به تشخیص مقام صلاحیت‌دار در جامعه است. مجلس شورای اسلامی با توجه به اینکه از سوی مردم مأموریت دارد، مقام صالح برای شناخت نیازهای جامعه و تصویب قانون است. صلاحیت عام قانونگذاری متکی به تدابیر مجلس است. کمیت و کیفیت قوانین در ارضای تمنیات و خواسته‌های مردم و نشان دهنده حدود و وسعت شایستگی و لیاقت مجلس می‌باشد» (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

در مقابل مشاهده می‌شود که در برخی قوانین اساسی، صلاحیت عام قانونگذاری برای پارلمان در نظر گرفته نشده است و پارلمان در مورد موضوعات خاصی صلاحیت دارد. اصل ۳۴ قانون اساسی فرانسه موضوعاتی را مشخص کرده و آنها را در قلمرو

صلاحیت قانونگذاری مجلس قرار می‌دهد. در نتیجه این انحصار و اختصاص می‌توان نتیجه گرفت در این قانون اساسی از قدرت قوه مقننه به نفع قوه مجریه کاسته شد «بنابراین از نظر شکلی، صلاحیت قانونگذاری پارلمان فرانسه استثنایی است؛ چراکه اصل بر این است که هیچ مورد جزو صلاحیت قانونگذاری پارلمان نیست مگر اینکه قانون‌گذار اساسی به آن تصریح کرده باشد» (زارعی، ۱۳۸۴: ۱۵۸). در قانونگذاری پارلمان آفریقای جنوبی نیز این اختصاصات و انحصار در حوزه‌های خاص از امور عمومی مشاهد می‌شود (همان: ۵۹۲-۵۹۵). بنابراین قوانین اساسی در مورد قلمرو قانونگذاری پارلمان رویکردهای متفاوتی دارند. بعضی صلاحیت عام و بعضی دیگر صلاحیت اختصاصی برای پارلمان قائلند.

نگاهی مجدد به قانون اساسی، گویای مطالب دیگر غیر از نظرات پیش گفته اساتید مذکور است که اشاره به آنها ضرورت دارد.

براساس اصل ۷۱ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی در همه مسائل، در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. بنا بر این اصل، قلمرو صلاحیت مجلس با دقت در اصول دیگر آشکار می‌شود. با تأمل در قانون اساسی مواردی مشاهده می‌شود که قانون اساسی وضع قواعد حقوقی مربوط به موضوعات خاصی را در قالب عناوین مختلف حقوقی، مانند قانون و آیین‌نامه و تصویب‌نامه به نهادهایی غیر از مجلس واگذار کرده است. طبعاً در آن موضوعات به تصریح اصل ۷۱، مجلس شورای اسلامی صلاحیت قانونگذاری ندارد.

مورد نخست اصل ۱۰۸ قانون اساسی است که وضع و اصلاح قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخابات و... را به خود مجلس خبرگان سپرده شده است.^۱ با

۱. اصل ۱۰۸. قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقها اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرا آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.

این وصف مشاهده می‌شود که مجلس شورای اسلامی هیچ صلاحیتی در مورد وضع قواعد حقوقی مربوط به مجلس خبرگان رهبری ندارد و وضع مقررات در این مورد در صلاحیت اختصاصی و انحصاری مجلس خبرگان رهبری است.

همان‌طور که با مشاهده این اصل معلوم می‌شود، قانون اساسی دو بار کلمه قانون را در همین اصل، برای مصوبات مجلس خبرگان رهبری به کار برده است. اگرچه این تعبیر با اعتراض بعضی از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی مواجه شده،^۱ ولی در حال این واژه در متن قانون وارد شده است و می‌تواند بیانگر اهمیت قانون‌گذار اساسی به مصوبات این مجلس باشد.

اثر حقوقی این نام‌گذاری، جایگاه این مصوبات در سلسله‌مراتب منابع حقوقی در ردیف و جایگاه قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مانند آن^۲ در رتبه‌ای پایین‌تر از قانون اساسی است که مانند سایر قوانین، از سوی دیگر فقط توسط همان مرجع قابل وضع، نسخ و اصلاح است. چون مجلس خبرگان رهبری در خصوص مسائل مربوط به خود، صلاحیت انحصاری دارد و مرجع دیگری مانند مجلس و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌تواند به هیچ‌عنوان در این قلمرو ورود پیدا کند. درحالی‌که این انحصار برای مجلس شورای اسلامی نیست و مجمع تشخیص با عنوان مصلحت می‌تواند به قلمرو مصوبات مجلس ورود پیدا کند. همچنین مراجعی مانند دیوان عدالت اداری، صلاحیت اثرگذاری بر آنها و ابطال آن را ندارند. تبصره ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب آذر ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد؛ رسیدگی به تصمیمات قضائی قوه قضائیه و صرفاً آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی از شمول این ماده خارج است.

۱. ر.ک: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۱۰۱.

۲. مانند آراء وحدت رویه.

مرجع دیگری که در قانون اساسی به آن صلاحیت وضع مقررات و قواعد حقوقی داده شده، مقامات اجرایی مذکور در اصل ۱۳۸ می‌باشد.^۱ این مرجع صلاحیت دارد درخصوص چهار موضوع تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین، انجام وظایف اداری، تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع مقررات بپردازد. مصوبات حاصل از اجرای این اصل به عنوان آیین‌نامه و تصویب‌نامه و گاه عناوین دیگر به نظام حقوق داخلی راه یافته که البته جایگاه خاص خود را در سلسله‌مراتب منابع حقوقی دارند.

مهم‌ترین اثر حقوقی این جایگاه، لزوم تبعیت این مصوبات از منابع بالادستی، یعنی قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس و همچنین امکان نسخ آنها با قانونگذاری توسط مجلس یا آرا وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور و همچنین امکان ابطال آنها توسط دیوان عدالت اداری است.

۲.۲. امنیت ملی در قانون اساسی

در ادامه مبحث قبلی ازجمله مواردی که مجلس در قانونگذاری باید حدود قانون اساسی را رعایت کند و از قلمرو قانونی خود خارج نشود، اصل ۱۷۶ است که مربوط به امنیت ملی است.^۲ در این اصل، شورایی که نقطه تماس بالاترین مقام سیاست‌گذاری

۱. وزیران، هیئت‌وزیران و کمیسیون‌های داخلی هیئت‌وزیران.

۲. اصل ۱۷۶. به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی «شورای عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس‌جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد:

۱. تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف مقام رهبری؛
۲. هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی؛

۳. بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

اعضای شورا عبارتند از:

۱. رؤسای قوای سه گانه

۲. رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح

و مقام اجرایی در نظام جمهوری اسلامی ایران است، یعنی مقام رهبری و مقام ریاست جمهوری، موظف شده موضوع امنیت ملی را مدیریت کند. در این اصل بعضی از نکات مربوط به این موضوع مطرح شده و برای مدیریت بهینه، کوتاه‌مدت و کم‌هزینه بحران‌های مربوط به امنیت ملی در کشور، شورایی به نام شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس‌جمهور را معرفی کرده تا در آن برای این موضوع، سیاست‌گذاری و اقدام شود. برای توضیح بیشتر نگاه مجدد به این اصل ضروری است. این توضیحات در قالب چند بند ذیلاً گزارش خواهد شد.

با تأمل در اصل ۱۷۶ معلوم می‌شود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رویکرد دوم در مورد هدف امنیت ملی را پذیرفته و به جای این که آنرا بر اساس تهدیدات امنیتی موجود از ناحیه بیگانگان تعریف کند و به شناسایی تهدیدات و تهدیدات وجودی اقدام کند و با تدابیر امنیتی کشور را از آنها مصونیت ببخشد، با نگاه انتزاعی‌تر به امنیت ملی، اهداف آن را مورد توجه قرار داده است؛ اهدافی که با اندکی تسامح در تعبیر، می‌توان از آنها به ارزشهای ملی یاد کرد. ارزش‌ها و مؤلفه‌هایی که موجودیت یک کشور در عرصه بین‌الملل را تشکیل می‌دهند و با آنها کشورها از هم متمایز می‌شوند و با به خطر افتادن آنها، موجودیت آن کشور به خطر می‌افتد. این اهداف را می‌توان صریحاً در اصول قانون اساسی مشاهده کرد که عبارتند از: آزادی و استقلال و وحدت و

۳. مسئول امور برنامه و بودجه

۴. دو نماینده به انتخاب مقام رهبری

۵. وزیر امور خارجه، کشور، اطلاعات

۶. حسب مورد وزیر مربوط و عالیترین مقام ارتش و سپاه

شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی، از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هریک از شوراهای فرعی با رئیس‌جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس‌جمهور تعیین می‌شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست.

تمامیت اراضی و آزادی‌های مشروع در اصل نه قانون اساسی^۱ و همچنین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی در اصل ۱۷۶. تمسک به رویکرد دوم، یعنی توجه به اهداف، این فایده را دارد که هدف از اعمال امنیتی، روشن شده و دقیقاً معلوم است با تأمین امنیت چه اهدافی تحقق می‌یابد و در نتیجه با این وضوح در هدف و عملکرد، امکان نظارت مراجع ناظر بر آنان بیشتر و در نتیجه احتمال سوءاستفاده آنان کمتر خواهد بود.

نکته‌ای که نیاز به توضیح بیشتر دارد، هدف در امنیت ملی است و اینکه در این سطح، امنیت از سوی چه چیزی تهدید می‌شود. این تهدیدات به‌طور واقعی متوجه موجودی به نام کشور بما هو کشور به‌عنوان یک عنصر در عرصه بین‌الملل^۲ است که همه هستی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن را به خطر می‌اندازد. به‌طور معمول این تهدیدات از سوی یک دشمن خارجی به وجود می‌آید و تا اضمحلال یک جامعه سیاسی و چه‌بسا انضمام آن به کشور متجاوز ممکن است ادامه پیدا کند. هرچند ممکن است زمینه این تهدیدات در داخل وجود داشته باشد و نیروی متجاوز خارجی از این زمینه‌های برای رسیدن به مقصود خودش استفاده کند. علاوه بر اینکه ممکن است این اضمحلال و انضمام ظاهراً به وجود نیاید و موجودیت کشور هدف در ظاهر حفظ شود؛ درحالی‌که کشور متجاوز با تسلط بر شریان‌های وجودی به هدف خودش برسد. بنابراین تهدیدها در امنیت ملی از سوی قدرت‌های فرامرزی است، اگرچه همان‌طور که گفته شد، نیروی متجاوز می‌تواند از همه امکانات خارجی و حتی داخلی برای رسیدن به هدف خود بهره‌مند شود. طبعاً امنیت در عرصه داخلی سطوح متفاوتی دارد که از

۱. اصل ۹. در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و اتحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدش‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

۲. به همین دلیل امنیت ملی موضوعی با دامنه‌ای بسیار گسترده در رشته روابط بین‌الملل موردبحث قرار می‌گیرد.

بالاترین سطح، یعنی امنیت عمومی آغاز و به ترتیب شقوق دیگری را شامل می‌شود. همان‌طور که قبلاً گفته شد، دو اصل در قانون اساسی ناظر به موضوع امنیت ملی است. در نخستین اصل، یعنی اصل ۱۷۶، مؤلفه‌های موردنظر قانون اساسی که به‌عنوان هدف امنیت ملی در مباحث امنیت پژوهی از آن یاد می‌شود، به‌وضوح شمارش شده که عبارت است از: منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی. اصل دیگر، یعنی اصل نهم، مربوط می‌شود به استثناءها و مسائلی که در جریان عمل به مفاد اصل قبل، برای حفظ حقوق افراد باید موردتوجه قرار گیرد. در این اصل هم دسته دیگری از اهداف امنیت ملی در قالب تعابیر آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی آمده است. تمامیت ارضی در هر دو اصل مشترک است، اما آزادی، وحدت [ملی] و استقلال از ارزش‌های ملی هستند که از آنها در کلام پژوهندگان این حوزه به‌عنوان هدف امنیت ملی یاد می‌شود.

قانون اساسی در مورد امنیت ملی به‌عنوان یکی از موضوعات مهم سیاسی که آثار حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و ... برای مجموعه کشور دارد، شورایی در عالی‌ترین سطح از مدیران را که نقطه تلاقی سیاست‌گذاری و اجرا در کشور است، معین کرده تا به تناسب اقتضائات و اهمیت این موضوع، تصمیمات مناسب برای کشور اتخاذ گردد.

در بخشی از مذاکرات مربوط به این اصل در شورای بازنگری قانون اساسی به‌خوبی به این نکته اشاره شده است: «ما در ارتباط با تثبیت نظام و امنیت ملی کشور نیاز داریم به یک شورایی که مسائلی را در ارتباط با تهدیدات داخلی و خارجی، نظامی و غیرنظامی، بحران‌های اقتصادی و اصولاً چیزهایی که برای کشور ما می‌تواند آسیبی ایجاد کند، ما باید چنین ترکیبی داشته باشیم. ... از طرف دیگر ما مواجه هستیم با اینکه الان در تشکیلات کشور ما، رهبر [دارای] موقعیتی است که از نظر قانون اساسی یک سلسله اختیارات و وظایف دارد. من باب مثال، نیروهای مسلح نظامی و انتظامی در ارتباط با آن است و به تعبیری در ارتباط با وظایف دفاعی و امنیتی خودش صاحب سهم [اختیار و صلاحیت] است. کما اینکه امکانات کشوری مملکت از نظر اعتبارات و

سیاست خارجی و اطلاعات و امثال اینها در ارتباط با رئیس‌جمهور است که آن [او] هم در رابطه با تأمین دفاع و امنیت ملی کشور صاحب سهم [اختیار و صلاحیت] است. ما اگر یک جایی بخواهیم این را تلفیق کنیم، نیاز به شورایی داریم که هر دو رنگ را داشته باشد و هر دو در آن سهیم باشند» (اداره‌کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰: ۱۴۶۸).

بدین ترتیب مشاهده می‌شود درخصوص موضوع امنیت ملی به تناسب اهمیت ذاتی آن، قانون اساسی شورایی در عالی‌ترین سطح پیش‌بینی کرده است. در همین حال به‌وضوح مشاهده می‌شود که قانون اساسی برای مجلس شورای اسلامی به عنوان بخشی از حاکمیت و نهاد قانون‌گذار در این موضوع، هیچ صلاحیتی را در نظر نگرفته است. تنها صلاحیتی که مجلس در موضوع امنیت دارد، تعیین حدود وظایف و اختیارات شوراهای فرعی شورای عالی، مانند شورای امنیت کشور است و بنابر آنچه در قانون تشکیل شورای امنیت کشور^۱ مشاهده می‌شود، این شورا به موضوع امنیت داخلی پرداخته و در سطح امنیت ملی صلاحیتی ندارد. این در حالی است که بنابر اصل ۵۷ و ۵۸ مجلس به‌عنوان یکی از قوای سه‌گانه، بخشی از حاکمیت ملی را اعمال می‌کند. در مبحث بعد با تفصیل بیشتر به این مسئله پرداخته می‌شود.

۲،۳. نقد قواعد امنیت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

غیر از اشکالی که ناظر به نقش بسیار کم‌رنگ مجلس شورای اسلامی در موضوع امنیت ملی بود و در بند قبلی به پرداخته شد، در حالت عادی اصل صلاحیت و همچنین اصل حاکمیت قانون و مشخص بودن نقش نهادها در امور عمومی از جمله امنیت ملی، احتمال آسیب را کم کرده و موجب می‌شود، افراد و نهادهای ذیربط در امر امنیت ملی کارکردهای عادی خود را دارند. فرض آسیب از آنجا ناشی می‌شود که در دوره اضطرار، وضعیت جامعه امنیتی شده و در این وضعیت، جامعه باید مدیریت گردد در رژیم‌های

۱. قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور، مصوب ۱۳۶۲/۶/۸.

سیاسی با پیش‌بینی قانون اساسی، در دوره اضطرار عالی‌ترین مقام اجرایی دارای اختیارات ویژه می‌شود تا با استفاده از آن بتوانند آن دوره را با کمترین هزینه و در کوتاه‌ترین مدت مدیریت کنند.

یکی از محاسن قانون اساسی جمهوری اسلامی در این مورد این است که تصمیم‌گیری درخصوص امنیت ملی را نه یک فرد، بلکه به عهده شورایی در عالی‌ترین سطح از مسئولان نهادهای سیاسی، نظامی و امنیتی و حتی اقتصادی گذاشته است. به این ترتیب سازماندهی قانون اساسی جمهوری اسلامی در مدیریت بحران، نسبت به قوانین معاصر^۱ که به عهده یک فرد از نهادهای اجرایی گذاشته است، ترجیح دارد.

موضوع مهمی که در آسیب‌شناسی امنیت ملی و تأمین آن باید مورد توجه قرار گیرد، این است که در این دوره، حقوق شخصی و مشخصاً آزادی‌های فردی به شدت در معرض محدودیت است. برای دفع همین آسیب است که قانون اساسی به درستی در اصل و نه ضمن درج برخی از اهداف و مؤلفه‌های امنیت ملی و تأکید بر اینکه این

۱. در این خصوص بیان شواهدی از قوانین اساسی دو کشور فرانسه و جمهوری کره، بیانگر نقش فردی شخص رئیس‌جمهور در مدیریت دوره اضطرار است.

اصل ۱۶ قانون اساسی فرانسه مقرر می‌دارد: هرگاه نهادهای جمهوری، تمامیت ارضی یا اجرای تعهدات بین‌المللی به طور جدی و فوری در معرض تهدید قرار گیرند و عملکرد منظم قوای عمومی مذکور در قانون اساسی مختل گردد، رئیس‌جمهور تدابیر لازم را برای اوضاع مذکور، پس از مشورت با نخست‌وزیر و رئیس‌ان مجلس‌ها و رئیس شورای قانون اساسی اتخاذ می‌نماید...

اصل ۷۶ قانون اساسی جمهوری کره مقرر می‌دارد: ۱. در زمان ناآرامی‌های داخلی، تهدید خارجی، بلایای طبیعی یا بحران شدید اقتصادی و مالی، رئیس‌جمهور می‌تواند درخصوص این امور به حداقل اقدامات لازم مالی و اقتصادی مبادرت ورزد یا برای حفظ نظم و صلح عمومی و امنیت ملی در صورت اضطرار و عدم امکان تشکیل مجلس ملی، دستورها و احکامی را که اثر قانونی دارند، صادر نماید. ۲. در صورت بروز کشمکش‌های عمده محل امنیت ملی، رئیس‌جمهور می‌تواند دستورها و احکامی که قدرت قانونی دارند، صادر نماید. این دستورها مختص زمانی هستند که حفظ و نگهداری یکپارچگی کشور ضروری بوده و تشکیل جلسه مجلس ملی غیرممکن باشد...

اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری کره نیز مقرر می‌دارد: ۱. در مواردی که ضرورت نظامی ایجاب نماید یا برای حفظ امنیت و آسایش و نظم عمومی لازم است که نیروهای نظامی در زمان جنگ بسیج شوند، رئیس‌جمهور می‌تواند حکومت نظامی را به ترتیب معین شده در قانون اعلام نماید ...

ارزش‌ها یک کل تفکیک‌ناپذیرند، برای اعمال بخشی از حاکمیت، یعنی قانونگذاری، محدودیتی را مقرر کرده است. نحوه پردازش این اصل به‌گونه‌ای است که گویا قانونگذار این اصل را برای زمان اضطرار و بحران وضع کرده است؛ زیرا در زمان عادی دولت‌ها به مقتضای وظیفه ذاتی خود قطعاً به همه این گزاره‌ها عمل خواهند کرد و همواره استقلال، تمامیت ارضی کشور و آزادی‌های مشروع به‌عنوان یک کل تفکیک‌ناپذیر حفظ خواهد شد و همه اینها حتی بدون هیچ تزامنی در کنار هم محقق خواهند شد. اما در شرایط اضطرار است که این مؤلفه‌ها به خطر خواهد افتاد و چه‌بسا حاکمیت به استناد وضعیت اضطرار و بحران تصمیم بگیرد با استفاده از قانونگذاری این بحران را مدیریت کند. به همین دلیل قانون‌گذار اساسی به‌درستی تأکید کرده علاوه بر اینکه استقلال و تمامیت ارضی کشور باید حفظ گردد، آزادی‌های مشروع حتی با وضع قانون هم نباید از سوی قانونگذار سلب گردد.

توضیح بیشتر اینکه حفظ استقلال، آزادی، تمامیت ارضی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، وحدت، حاکمیت و منافع ملی به‌عنوان یک کل تفکیک‌ناپذیر از مسائلی است که در حالت عادی وضعیتش معلوم است و کسانی که در قبال آن بر اساس قوانین موجود وظایفی را به عهده دارند، آنها را به‌طور معمول انجام خواهند داد. ولی هرگاه تهدید وجودی، حتی برای یکی از این ارزش‌ها به‌عنوان جزئی از یک کل تفکیک‌ناپذیر به وجود آید، دوره بحران و اضطرار آغاز می‌شود که دولت و ملت هرکدام باید نقش خود را در این دوره ایفا کنند. نقش مهم ملت در این دوره، پذیرش محدودیت‌های احتمالی بر آزادی‌ها و حقوق فردی برای دفع خطر از موجودیت و کیان کشور است. اما نقش اصلی به عهده دولت است که با استفاده از راهکارهای ویژه و معمولاً غیرعادی درصدد مهار بحران برآید. قاعدتاً در این دوره است که دولت در وضع قواعد امنیتی باید متوجه حقوق و آزادی‌های مردم باشد و حداقل محدودیت برای آنها به وجود آورد.

توجه به این نکته ضروری است که اگر قدر جامع مجموع موضوعاتی که قانون اساسی به‌عنوان اهداف امنیت ملی مطرح کرده، ارزش‌های ملی بنامیم، برخی از این

ارزش‌ها مانند آزادی‌های مشروع مندرج در اصل^۱، مستقیماً به افراد و کیفیت زندگی آنان بستگی دارد و درحقیقت ملازمه‌ای بین زندگی مطلوب و آن ارزش برقرار است که با وجود آن، زندگی فردی مطلوبیت پیدا می‌کند. ولی ارزش‌های دیگر، این‌گونه نیست و بیش از آنکه فردی باشد، اجتماعی است. همین مسئله باعث شده قانون اساسی در اصل نه به‌طور اختصاصی به آزادی‌های مشروع تصریح کرده و برای حفظ آن در کنار محافظت از سایر ارزش‌ها، تکلیفی را در قالب ممنوعیت قانونگذاری مقرر دارد.^۱ قانون اساسی در اصل^۲ به‌صراحت حتی برای وضع قانون شرط گذاشته و صحت قواعد دوره اضطرار را منوط به ممنوعیت سلب آزادی‌های مشروع کرده است. شورای نگهبان در این قاعده‌گذاری نقش ایفا کرده و حسب وظیفه مکلف است مصوبات مجلس را که موجب سلب آزادی‌های مشروع می‌شود، تأیید نکند. ولی همان‌طور که قانون اساسی به آن تصریح کرده، سلب آزادی‌های مشروع حتی با وضع قانون ممنوع است و شرطی برای محدودیت آنها گذاشته نشده و محدودیت‌سازی و ایجاد مضیقه برای آزادی‌های مشروع توسط مجلس در اجرای این اصل، نه ممنوع شده و نه حدی برای آن تعیین شده است. این نکته‌ای است که باید به آن توجه کافی شود. زیرا حقوق و آزادی‌ها در گیرودار بخشی از مدیریت بحران که توسط نهاد قانونگذار انجام خواهد شد، حتماً دچار آسیب شده و محدودیت‌هایی برای آن ایجاد خواهد شد. طبعاً این محدودیت‌ها به حد سلب نخواهد رسید تا ایراد قانون اساسی پیدا نکند.

یکی دیگر از مسائلی که قواعد امنیت ملی در دوره اضطرار را در معرض آسیب جدی حتی با وجود اجرای اصل^۳ قرار می‌دهد، عدم نظارت کافی بر مصوبات شورای عالی امنیت ملی از سوی نهادهای نظارتی است. البته این عدم نظارت مشکلی است که از خود قانون اساسی ناشی شده و در بازنگری‌های آینده قانون اساسی باید برای آن

۱. در همین اصل، تصریح به آزادی‌های مشروع و عدم توجه به حقوق مشروع توسط قانون اساسی قابل تأمل است. با توجه به رابطه عموم و خصوص مطلق که بین آزادی‌ها و حقوق برقرار است، توجه و تصریح به آزادی‌های مشروع شاید موجه نباشد و در بازنگری قانون اساسی به این موضوع باید رسیدگی شود.

چاره‌ای اندیشید. براساس سازوکار فعلی، برای اطمینان به وجود حداقل شرایط صحت مصوبات شورای عالی، تنها راهکاری که وجود دارد، لازم‌الاجرا شدن آنها پس از تأیید مقام رهبری است. با توجه به ویژگی‌های اصیل اخلاقی آن مقام، یعنی عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام،^۱ می‌توان به اطمینانی نسبی در رعایت حداقل‌ها رسید. غیر از راهکار فوق، هیچ نهاد نظارتی دیگری برای این کار وجود ندارد.

با وجودی که عملاً هیچ نهادی برای نظارت بر قواعد امنیت ملی در دوره اضطرار وجود ندارد. یکی از بهترین مسیرها برای اطمینان یافتن از نبود آسیب‌های فوق، قانونگذاری مجلس در این موضوع است. تبعاً این قانونگذاری برای چگونگی مدیریت بحران است، نه مدیریت بحران. در قانونگذاری مجلس برای مدیریت بحران، نمایندگان مردم می‌توانند راهکارهایی با حداقل مضیقه برای حقوق و آزادی‌های عمومی طراحی کنند؛ زیرا نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی با بهره‌مندی از عقل جمعی، شایسته‌ترین افراد برای طراحی راهکارهای حل بحران در دوره اضطرار هستند. همان‌طور که قبلاً گفته شد، براساس سازوکار موجود در قانون اساسی متأسفانه نقش مجلس محدود است به تعیین ساختار و بیان اختیارات شوراهای فرعی در شورای عالی امنیت ملی و ایفای نقشی دیگر برای مجلس خلاف قانون اساسی است.

از سوی دیگر تنها امیدی که برای نظارت پسینی و قضایی بر مصوبات شورای عالی امنیت ملی وجود داشت، در دیوان عدالت اداری بود که با صلاحیتی که می‌شد برای دیوان عدالت اداری در نظر گرفت، آسیب‌های مذکور را به حداقل رساند. متأسفانه تاکنون دیوان هم هیچ نقشی در نظارت بر این مصوبات نداشته است.

تنها جایی که مجلس می‌تواند به‌عنوان بخشی از حاکمیت ملی در پاسداری از حقوق و آزادی‌های افراد و به حداقل رساندن محدودیت‌های آن، ایفای نقش کند، اجرای

اصول ۶۸، ۶۹ و ۷۹ قانون اساسی^۱ می‌باشد. براساس این اصل، اگر تدبیر مدیران امنیتی ملی برای کنترل و مدیریت بحران، منجر به این شد که انتخابات مجلس به تعویق بیفتند، یا مجلس در جلسات غیرعلنی قانونگذاری کند یا دولت اعلام وضعیت فوق‌العاده کند، این مجلس است که باید برای این کارها به دولت اجازه دهد. همان‌طور که در این اصول ملاحظه می‌شود، مجلس در بخشی از مدیریت بحران نقش ایفا می‌کند. ایفای این نقش که البته رأی بالایی از مجلس را نیاز دارد، با ابتکار قانون اساسی است و باز هم مجلس در قانونگذاری برای این موضوع نقشی ندارد.

۱. اصل ۶۸. در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس‌جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان از انتخابات نقاط اشغال‌شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

اصل ۶۹. مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس‌جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

اصل ۷۹. برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً، محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به‌هرحال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد، دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

نتیجه

در امنیت ملی، امنیت یک کشور هدف است و امنیت آن با همه ابعادش باید تأمین گردد. برای تعریف امنیت ملی باید ابعاد یک سه ضلعی به طور هم زمان مورد توجه قرار گیرد. از آنجاکه این مفهوم اصولاً تهدیدمحور است، برای بازتعریف آن در اولین گام باید به محوری ترین عنصر آن توجه نمود. اصولاً تهدیداتی که می توانند برای کشور مشکل امنیتی به وجود آورند، تهدیدات وجودی هستند که می توانند موجودیت یک کشور را به خطر بیندازند. در جدی بودن یک خطر باید به قریب الوقوع بودن زمانی و مکانی آن، بزرگی خسارت و فراگیری آن در عرصه جغرافیای ملی و مؤلفه هایی از این قبیل توجه نمود. انعطاف و ابهامی که در تعریف این مؤلفه ها وجود دارد، به شدت احتمال خسارت به افراد را به دلایل امنیتی در وضعیت اضطرار زیاد می کند. در یک تحلیل از امنیت ملی، تهدیداتی متوجه ارزش های ملی است. ارزش هایی که موجودیت یک کشور به عنوان عضو در عرصه بین الملل به اثبات می رساند و آن را از سایر کشورها و جوامع سیاسی متمایز می سازد. استقلال، تمامیت ارضی، وحدت ملی و سبک زندگی و ثبات سیاسی از جمله این ارزش هاست که همان طور که در مقاله گفته شد، در اصول ۹ و ۱۷۶ به آنها اشاره شده است. طبعاً این خطر از ناحیه قدرت های خارجی متوجه یک کشور خواهد شد و با این تهدیدها کشور متجاوز با توجه به منافع نوعاً اقتصادی در راستای ایجاد ناامنی در کشور هدف تلاش می کند. این تلاش ها برای کسب منافع اقتصادی بیشتر از کشور هدف، گاهی منجر به اضمحلال آن کشور می شود.

در این راستا با توجه به رویکردهای موجود، قانون اساسی جمهوری اسلامی برای تأمین امنیت ملی، حفظ ارزش های ملی مورد نظر را هدف قرار داده و با شمارش آنها، شورایی را برای حفظ آنها پیش بینی کرده است.

گذشته از تأیید اطمینان بخش مصوبات شورای عالی امنیت ملی توسط مقام رهبری، در این دوره نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی به عنوان بخشی از حاکمیت ملی می توانند بهترین نقش را در تدوین و وضع قواعد مربوط به چگونگی حل بحران مورد

نظر و تعیین شاخص‌ها برای این موضوع ایفا کنند. ولی متأسفانه این نقش در قانون اساسی به مجلس داده نشده و این نهاد هیچ صلاحیتی در موضوع امنیت ملی ندارد و یگانه نهاد تصمیم‌گیرنده در این موضوع شورای عالی امنیت ملی است. این مسئله قواعد دوره اضطرار که امنیت ملی را با آنها مدیریت می‌کنند، در معرض خطر و آسیب قرار داده است.

در فرض عدم بازنگری و اصلاح قانون اساسی، اگرچه اقتضائات ذاتی امنیت ملی ممکن است اجازه دخالت نهاد پرتعدادی، مانند مجلس را به مدیران ندهد، ولی نظارت دقیق و بی‌شائبه بر قواعد موضوعه شورای عالی امنیت ملی، می‌تواند با اصلاح قانون دیوان و در نتیجه نظارت دیوان عدالت اداری برای رسیدگی قضایی به آنها فراهم شود. همچنین رسیدگی عادلانه برای جبران خسارت‌های احتمالی ناشی از اجرای مصوبات شورای عالی امنیت ملی، بخشی از فرایند نظارت بر این مصوبات، برای حمایت از آزادی‌های مشروع مورد نظر قانون اساسی باشد. در این راستا ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی که در آن برای اجرای اعمال حاکمیتی، دولت هیچ مسئولیتی برای جبران خسارت ندارد، باید اصلاح شود.

منابع

۱. آذر ادوارد و ای مون جونگ، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.
۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۳. _____، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۳، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ ۲، ۱۳۸۰.
۴. افروغ، عماد، نگرش دینی و انتقادی به مفاهیم عمده سیاسی، تهران: مؤسسه فرهنگ و دانش، چاپ ۲، ۱۳۸۰.
۵. بوزان، باری، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۶. ربیعی، علی، مطالعات امنیت ملی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ ۳، ۱۳۸۴.
۷. روشندل، جلیل، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: سمت، ۱۳۷۴.
۸. زارعی، محمدحسین، مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
۹. سایق، یزید، امنیت در کشورهای در حال توسعه، رویارویی با سده بیست و یکم، ترجمه مصطفی ایمانی و علیرضا طیب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
۱۰. عبدالله‌خانی علی، «بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۳، ۱۳۸۵.
۱۱. _____، دیپاچه‌ای بر قانون امنیت ملی (مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی (۳))، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ ۲، ۱۳۸۴.

۱۲. غرایان زندی داوود، درآمدی بر سیاستگذاری امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.
۱۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. قانون اساسی فرانسه، تهران: اداره کل قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۶.
۱۵. قانون اساسی کره جنوبی، دنیای سبز، ۱۳۸۹.
۱۶. قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۲.
۱۷. کاویانی محمدهادی، بررسی حق امنیت فردی و چالش‌های آن با امنیت ملی، (رساله دکتری دفاع شده در پردیس قم دانشگاه تهران)، ۱۳۹۰.
۱۸. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران: میزان، چاپ ۲۱، ۱۳۸۹.